این صفحه پیام‌ها، متن‌ها، عکس‌نوشت‌ها و خبرهای کوتاه منتشر شده در فضای مجازی را بازنشر می‌دهد. تلاش بر این است که دیدگاه‌ها و نظرات کاربران اندیشمند شبکه‌های اجتماعی در عرصه مکتوب هم دیده شود.

آیینه نفس

دعوت برای همه یکسان نیست

آیت‌الله فاطمی‌نیا (رحمه‌الله):

چگونگی دعوت مردم به دین بسیار مهم و در عین حال کار دشواری است. دعوت به دین باید با حکمت باشد. حکمتِ در دعوت یعنی بدانیم هر کسی و هر قومی را چگونه به دین دعوت کنیم. دعوت برای همه یکسان نیست. گاهی یک امری خلافِ عرف است، اما خلاف شرع نیست، اگر ما این مسئله خلاف عرف را به نام دین، حرام اعلام کنیم، این دعوت به دین نیست!

واقعیات را باید به مردم گفت و اگر هم عده‌ای سوءاستفاده کردند، به پای خودشان است. در روایت آمده است: ابوحنیفه یک فتوا و قضاوت اشتباه کرد، مولای‌مان حضرت صادق(ع) فرمودند: «فی مثلِ هذا القضاء و شِبهِه تَحبسُ السّماء ماءَها و تَمنَعُ الارضُ بَرَکتَها»، به سبب این فتوای غلط و نظیر آن، آسمان و زمین برکات خود را دریغ می‌کنند.

تصویری کمتر دیده شده از رهبر معظم انقلاب

محدثه رضایی با درج این تصویر نوشت: من هر کی حضرت امام خامنه‌ای رو دوست داره دوست دارم.

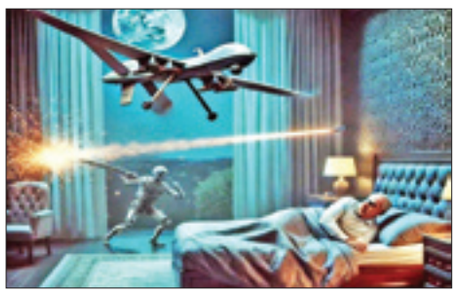

نخست‌وزیر در مقابل نخست‌وزیر

صفحه یمن به فارسی در فضای مجازی با درج این تصویر نوشت: نخست‌وزیر در مقابل نخست وزیر، آیا با من موافقید؟

محافظ و فرماندهی که با هم به شهادت رسیدند

مسلم فراقلی با درج این تصویر از شهید حاجی‌زاده و محافظش توییت کرد: او محافظ سردار حاجی‌زاده بود و تا آخرین لحظات عمرش به عهدی که حفاظت از جان فرمانده بود، عمل کرد و با هم به شهادت رسیدند.

شهید سینا سهامی

بزرگ‌ترین کارناوال دریایی که دنیا به سمت غزه می‌برد

سیدامیرحسین هاشمی با درج این تصویر نوشت: بیش از ۵۰ کشتی به همراه کمک‌های غذایی، بهداشتی و دارویی از ۴۴ کشور جهان، دارن به سمت غزه حرکت می‌کنن. بزرگ‌ترین کارناوال دریایی که دنیا در تاریخ دیده و شنیده... مردم جهان بیدار شدند، بیدارِ بیدار...

خطرناک‌ترین سناریو برای غرب از دید برژینسکی

سیدمحمدحسین راجی توییت کرد: برژینسکی، مشاور امنیت ملی امریکا در دولت جیمی کارتر در کتاب THE GRAND CHESSBOARD صفحه شطرنج بزرگ می‌نویسد: «خطرناک‌ترین سناریو، ائتلاف بزرگی از چین، روسیه و شاید ایران خواهد بود؛ ائتلافی «ضدهژمونیک» که نه بر اساس ایدئولوژی، بلکه بر اساس نارضایتی‌های مکمل [دشمن مشترک] متحد شده باشد.»

برخی کاربران شبکه‌های اجتماعی درباره پویانمایی رؤیاشهر اظهار نظر کردند

ای کاش «رؤیاشهر» همراه با تکنیک خوب به فیلمنامه هم می‌رسید

در زمانه‌ای که شاهدیم پویانمایی ایران به لحاظ تکنیکی و فنی روزبه‌روز رشد می‌کند و این جهش غیرقابل کتمان است، پویانمایی همچنان از مشکل فیلمنامه و داستان رنج می‌برد، البته این مشکل سینمای ایران به طور کلی هم است. پویانمایی رؤیاشهر این روزها در سینماهای کشور در حال اکران است و برخی کاربران شبکه‌های اجتماعی درباره آن نظر داده‌اند که البته به طور عادی اختلاف نظر و سلیقه در میان آنها مشهود است.

سعید حاتمی

رؤیاشهر فقط یه فیلم نیست. یه گام جدی برای ساختن نسلیه که اهل امید باشه، نه ناامیدی... اهل اقدام باشه، نه انفعال. وقتی قهرمان‌های بچه‌های ما همه از غرب میان، وقتی دیزنی و مارول تو ذهن بچه‌هامون بذر هویت غربی می‌کارن... ما به یه قهرمان بومی نیاز داریم. رؤیاشهر یه تلاش شجاعانه است برای همین کار. رؤیاشهر یه اثر فانتزی و جذاب برای بچه‌هاست که «انتظار» و «آمادگی برای ظهور» رو خیلی نرم، خیلی قشنگ و بی‌واسطه، به دل کودکمون منتقل میکنه. و در آخر، اگه دغدغت تربیت یه نسل بیداره، اگه دنبال یه محتوای سالم و پرمغزی، رؤیاشهر رو ببین، معرفی کن، نشر بده. حمایت از انیمیشن مهدوی یعنی حمایت از آینده‌مون.

صادق الشاوی

پایه فیلم بزرگسال دیدن پیدا نکردم، صباخانوم ما رو برد رؤیاشهر دیدن، خوش‌ساخت بود، داستان هم جذابیت داشت ولی فیلمنامه‌اش ضعیف بود.

محمدرضا تهوری

به خاطر بچه‌ها رؤیاشهر رو دیدیم، پیشرفت تو صنعت پویانمایی تحسین برانگیزه، اما داستان چفت نبود، انتخاب اسم با موضوع، استعاره‌های مربوط به منجی و... برای بچه‌ها مفهوم نبود، البته بچه‌ها نهایتاً لذت بردند و راضی بودند. این همه وقت و هزینه، فیلمنامه بهتری رو می‌طلبه.

امیرحسین ثابتی

به عنوان عضوی از کمیسیون فرهنگی مجلس، دو انیمیشن «رؤیاشهر» و «فرمانروای آب» را دیدم، ضمن اینکه پیشنهاد می‌کنم با کودکان و نوجوانان این دو کار را در سینما ببینید، هر دو انیمیشن محتوای خوب و قابل دفاعی دارد، البته «رؤیاشهر» به لحاظ کیفیت تولید و تکنولوژی به‌روزتر بود، چون به تازگی تولید شده ولی «فرمانروای آب» در سال ۱۳۹۴ یعنی ۱۰ سال پیش، اما با این حال به لحاظ پردازش قصه و روند داستانی، کار بسیار فاخر و مهیج و آموزنده‌ای بود. از همه مهم‌تر اینکه داستان هر دو اثر مربوط به مسئله مهدویت است.

از عموم مردم به ویژه خانواده‌هایی که کودک و نوجوان در خانه دارند می‌خواهم به همراه فرزندان خود در سینما به تماشای این فیلم‌ها بنشینند چراکه چرخه «اقتصادِ فرهنگ» زمانی قوت می‌گیرد که مخاطبان این آثار نقش فعال‌تری داشته باشند و تولیدکننده این آثار بتواند با گردش مالی ناشی از فروش کار خود، اقدام به تولید اثر بعدی کند.

اگر مردم زمانی که این فیلم‌ها روی پرده سینما هستند، بلیت تهیه کنند و آنها را در سینما ببینند، هم چرخه فروش این آثار بالاتر می‌رود و هم این پیام از مخاطب به عوامل سازنده و تولیدکننده آثار منتقل می‌شود که اگر فیلم و اثر خوب تولید کنید، این بازخورد مثبت را از جانب مردم، جامعه و افکار عمومی دریافت خواهید کرد و به تدریج ذائقه‌سازی فرهنگی شکل می‌گیرد. اگر هم کارهای خوب تولید شود اما به اندازه کافی به فروش نرسد و برعکس آثار صرفاً جنجالی و مخرب فروش برود، این چرخه برعکس می‌شود، کما اینکه تاکنون هم تا حدی این اتفاق افتاده و تولیدکنندگان براساس ذائقه مخاطب رو به تولید کارهایی می‌آورند که صرفاً جنجالی و به لحاظ محتوا سیاه هستند.

سوره

اکران انیمیشن رؤیاشهر برای جمع قشنگی از کودکان کار، شعار ما انیمیشن برای همه بچه‌های ایرانِ و حالا «رؤیاشهر» در جمع ۷۰۰ نفره کودکان آسیب‌دیده تحت پوشش مناطق بیست‌ودوگانه شهر تهران به نمایش درآمد.

جواد

ای کاش پویانمایی رؤیاشهر برای فیلمنامه هزینه بیشتری می‌کرد. این همه خلاقیت و رشد در تکنیک و مسائل فنی نیاز به یه مکمل به نام فیلمنامه حرفه‌ای داره تا همه چیز تکمیل بشه و یه کار فاخر به معنای واقعی خلق بشه.

امین میمندیان

امشب رؤیاشهر رو دیدیم و باید بگم که در تمام جوانب بد بود. جوری که علی‌اکبر وسط فیلم گفت کی میریم؟

از کلاس درس واشینگتن تا صف اول قدرت‌های نوظهور، جایگاه ایران کجاست؟

داوود مدرسیان در فضای مجازی نوشت: برای فهم جایگاه امروز ایران، باید از بحث‌های جناحی و اخبار لحظه‌ای عبور کنیم و با نگاه عمیق و بلندمدت به منافع ملی، امنیت پایدار و بقای کشور بیندیشیم. عکسی که می‌بینید خلاصه‌ای از تحولات قدرت در جهان است.

عکس اول: گذشته: جهان تک‌قطبی

در پایین تصویر، قدرت‌های بزرگِ اروپایی و متحدان امریکا را می‌بینید که حتی در دیدارهای رسمی، کاملاً در جایگاهی فرودست مقابل رئیس جمهور امریکا نشسته‌اند. این همان نظم تک‌قطبی است که بعد از جنگ جهانی دوم آغاز و بعد از فروپاشی شوروی نهادینه و تکمیل شد.

عکس دوم: آینده: جهان چندقطبی

در بالای تصویر، قدرت‌های نوظهور را دارید؛ کشورهایی که بعضی به بازدارندگی هسته‌ای رسیده‌اند، از نظر نظامی در سطح بالایی هستند و مجموع اقتصادشان از غرب پیشی گرفته. این نمادی از گذار از نظم تک‌قطبی به نظم چندقطبی است؛ گذار آهسته، اما برگشت‌ناپذیر که ممکن است چنددهه طول بکشد اما راه گریزی از آن نیست. علائم و قرائن آن روشن شده، اما جایگاه ایران کجاست؟ ایران ما امروز به صورت نسبی با ایران چنددهه پیش قابل مقایسه نیست، اما با جایگاه مطلوب و شایسته و بایسته خویش بسیار فاصله دارد. ایران امروز در وضعیت بلاتکلیفی نسبت به دشمنی غرب و نسبت به منافع مشترک یا روابط راهبردی با شرق به سر می‌برد.

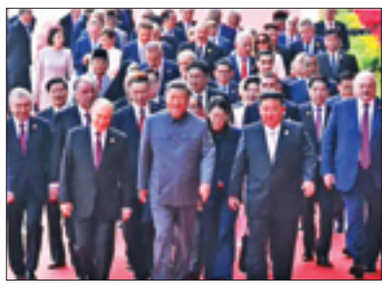

سیاست امریکا و بخش بزرگی از اروپا علیه ایران روشن است: تضعیف قدرت ملی، براندازی و تجزیه کشور به واحدهای کوچک و وابسته. این دشمنی نه داستان توهم است و نه فقط تحلیل سیاسی، واقعیت عینی است. آنها از بعد از انقلاب با ایران دشمنی کردند؛ تهدید، توطئه، کودتای سخت و براندازی بی‌خشونت و نرم، تحریم و جنگ. اینها واقعیاتی است که البته غرب‌گراهای ایرانی نمی‌خواهند باور کنند، ولی واقعیتی است تلخ!

در چنین شرایطی، تعریف منافع مشترک با شرق -از چین و روسیه تا پاکستان- نه یک انتخاب تزئینی، بلکه یک ضرورت است. اگر ایران به دنبال افزایش قدرت چانه‌زنی با غرب است یا به فکر افزایش توان بازدارندگی و حفظ تمامیت ارضی یا به‌دنبال رشد اقتصادی، راهی به جز تعریف منافع مشترک و البته تعمیق روابط خود از سطح پایین به روابط راهبردی و عمیق است.

اما رسیدن به «شراکت راهبردی» با شرق، نیازمند اراده سیاسی در داخل است، به علاوه برنامه‌ریزی فعال و کنار زدن موانعی است که از نفوذ خارجی تا کم‌کاری داخلی را شامل می‌شود؛ موانعی که محاسبات مسئولان ایرانی را نسبت به جهان غرب و شرق دچار اختلال کرده‌اند!

این تصاویر اگرچه نمادین است اما از واقعیت سرچشمه می‌گیرد.

ایران، امروز، دست بسته در برابر امریکا ننشسته و تسلیم امریکا نشده، اما جایگاهش درصف اول نظم جدید و قدرت‌های نوظهور هم نیست! جهان در حال گذار است؛ صندلی‌نشینی منفعلانه در «نظم گذشته» ما را عقب نگه می‌دارد. باید جای خود را در «نظم آینده» فعالانه انتخاب کنیم، نه اینکه منتظر دعوت بمانیم.

رؤیاها را دور بریزید تا دست‌یافتنی شوند

کانال ترجمان علوم انسانی نوشت: آیا خیالبافی ما را به آرزوهای‌مان نزدیک‌تر می‌کند یا فقط در مسیر موفقیت عقب نگه‌مان می‌دارد؟ در مواجهه با دردسرهای بزرگ یا وظایف طاقت‌فرسای روزانه، آدم‌ها اغلب مشغول این خیال‌پردازی می‌شوند که اگر آن کار را با موفقیت انجام دهند، چه احساسی خواهند داشت. این خیال‌پردازی‌ها در لحظه احساس خوشایندی دارند و آرامش‌بخش هستند، به اندازه‌ای که دست به عمل نمی‌زنیم.

اما غافلگیر می‌شویم اگر بدانیم که رؤیابافی از میزان انرژی‌مان می‌کاهد و ما را در آرامشی خوشایند رها می‌کند. اولین بار، فیلسوف قرن هجدهم، دیوید هیوم، ادعا کرد که احساساتِ خیال‌آمیز می‌توانند به اندازه احساسات واقعی به هیجان‌مان بیاورند. در قرن بیستم، روان‌شناسان دانشگاهی این نظریه را مطرح کردند که خیال‌پردازی و کنش عملی همترازند. بعضی از پژوهش‌ها هم نظر دیوید هیوم را تأیید می‌کرد: شبیه‌سازی فعالیت‌های جسمانی در ذهن می‌تواند تنفس و ضربانِ قلب را تغییر دهد، درست مثل اینکه آن فعالیت‌ها واقعاً انجام شده باشند. من این ایده را «اکتساب ذهنی» می‌نامم. در نتیجه رؤیابافی، ذهن‌مان به ما اعلام می‌کند که لازم نیست ورزش کنیم و درست غذا بخوریم تا وزن‌مان کم شود. لازم نیست برای یافتن شغل از خانه خارج شویم و در مصاحبه‌های متعدد شرکت کنیم. ذهن‌مان

به سرعت به مرحله پایانی موفقیت پرتاب می‌شود. ما در آرامشِ حاصل از رسیدن به هدف غرق می‌شویم، حتی اگر در واقعیت هیچ کاری انجام نداده باشیم. ندانسته و به شکلی غریب، آمادگی‌مان برای عمل کردن را از دست می‌دهیم؛ یگانه چیزی که در واقعیت می‌تواند ما را به موفقیت برساند. آنچه رؤیاپردازی را برای پیشروی در زندگی زیانبارتر می‌سازد، این است که شیوه جست‌وجوی ما برای اطلاعات را تحریف می‌کند و منطقی به نظر می‌رسد که بخواهیم تا جای ممکن در همان حال بمانیم، چون خیال‌پردازی حالتی خوشایند و ملایم ایجاد می‌کند. ما توجه‌مان را بیشتر به اطلاعاتی معطوف می‌کنیم که خیال‌پردازی را طولانی‌تر می‌کنند. اگر بخواهیم از طریق رؤیاهای‌مان تجربه مجازی سیاحتی اکتشافی در آفریقا را کسب کنیم، به دنبال مقاله‌هایی در روزنامه‌ها می‌گردیم که شور و شعفِ یک سفر اکتشافی را شرح می‌دهند تا اینکه سراغ مقاله‌هایی برویم که نشان می‌دهند سفرهای اکتشافی تا چه اندازه پرخرج، خطرناک و نامطلوب هستند. کم‌کم ساکن جهانی رؤیایی می‌شویم که خودمان ساخته‌ایم؛ جهانی با اطلاعات معتبر اما جهت‌دار. جزئیات و پیچیدگی‌های زندگی واقعی از دست می‌رود و تصمیم‌گیری‌های واقعی‌مان آسیب می‌بینند. خیال‌پردازی مثبت ما را گرفتار خود می‌سازد.

پس افرادی که درباره آینده خیال‌پردازی مثبت می‌کنند -یعنی احتمالاً همه ما- خودشان را گرفتار وضعیتی بغرنج می‌کنند. در این حالت، ذهن فریب می‌خورد، شناخت محدود می‌شود و انگیزه از بین می‌رود. ما در وضعیتی باقی می‌مانیم که به ظاهر خوشایند است، اما در نهایت به ناامیدی و احساس درجازدن می‌رسد. کافی نیست که بنشینیم و خیال‌بافی کنیم، باید دست به عمل بزنیم. رؤیاهای ما شاید تحقق‌پذیر باشند، ولی این رؤیاها مسائلی در پی دارند که گذر از آنها به تعهد و اقدام عملی نیاز دارد. یک خبر خوب: این امکان هست که بهتر بتوانیم آرزوهایی را که ارزش تلاش دارند از میان بقیه آرزوها انتخاب کنیم. آنچه خواندید برگرفته از کتاب «مثبت فکر نکنید»، نوشته گابریله اوتینگن و با ترجمه حسین رحمانی است.

مرورگر کروم قرار نیست فروخته بشه

کانال گیک آلرتس نوشت: مرورگر کروم قرار نیست فروخته بشه و یه قاضی فدرال تو امریکا رأی داده که نیازی به این نیست، کلاً سختگیری وزارت دادگستری رو زیر سؤال برده و میگه با اومدن این همه هوش مصنوعی انحصار گوگل داره خود به خود از بین میره و نیازی به جدا کردن سرویس‌های گوگل ازش نیست. از طرفی گفتن گوگل میتونه همچنان پول بده به مرورگرها برای اینکه موتور جست‌وجوی پیش‌فرض بشه اما نمیتونه قرارداد انحصاری ببنده، همچنین گوگل باید بخشی از دیتاهای خودش رو به صورت عمومی منتشر کنه تا رقباش هم بتونن از اون دیتاها برای موتور جست‌وجوی خودشون استفاده کنن.

دادگاه یه کمیته نظارت برای شش سال هم درست کرده تا روی روند فعالیت‌های گوگل و اجرای این رأی‌ها نظارت داشته باشن، بازار سهام هم واکنشش به خاطر عدم‌سختگیری دادگاه مثبت بود و سهام گوگل ۳ درصد رشد رو تجربه کرد.

به جای کاج سرو بکارید

جلال‌الدین توییت کرد: احمقانه‌تر، بی‌فایده‌تر و مضرتر از کاج، برای ایران درختی وجود نداره. نکارید این وصله ناجور رو. جاش سرو بکارید. سرو آب زیادی نمی‌خواد.

مهاجم نیست. بومی ایرانه. چندهزارسال عمر می‌کنه.

جز چند سال اول دیگه نگهداری نمی‌خواد. با گیاهان اطرافش همزیستی داره. از نمادهای باستانی ایرانه.

هالیوود بازی جدیدی را نشانه گرفت

فیلم «ندای وظیفه» در راه است؛ پروژه‌ای بزرگ که قرار است محبوب‌ترین بازی دنیا را به روی پرده سینما بیاورد. کانال فارس در فضای مجازی نوشت: شرکت پارامونت اسکایدنس (PSKY.O) در قالب قراردادی با شرکت رسانه‌ای اکتیویژن بلیزارد، زیرمجموعه مایکروسافت (MSFT.O)، قصد دارد فیلمی لایو اکشن بر اساس مجموعه بازی ویدئویی پرطرفدار «ندای وظیفه» (Call of Duty) تولید کند. طبق این توافق، پارامونت مسئولیت توسعه، تولید و توزیع فیلم را برعهده خواهد داشت. هر دو شرکت تأکید کردند که در جریان ساخت این پروژه به «روایت غنی و سبک منحصربه‌فرد» این برند وفادار خواهند ماند. پارامونت و اکتیویژن امیدوارند اقتباس سینمایی «ندای وظیفه» بتواند بر موفقیت آثار اخیر الهام‌گرفته از بازی‌های ویدئویی مانند فیلم «ماینکرفت» بیفزاید و جامعه بزرگ بازیکنان این فرنچایز را به تماشاگران سینما تبدیل کند. دیوید الیسون، مدیرعامل پارامونت، در این باره گفت: «ما با همان تعهد جدی و سازش‌ناپذیری که راهنمای ساخت فیلم تاپ گان: ماوریک بود، به این پروژه نزدیک می‌شویم.» او که تاکنون بر تولید مجموعه‌ای از فیلم‌های اکشن و سریال‌های تلویزیونی در اسکایدنس نظارت داشته، متعهد شد سرمایه‌گذاری پارامونت در «داستانسرایی باکیفیت و فناوری‌های نوین» را افزایش دهد تا مسیر رشد شرکت ادامه یابد. فرنچایز «ندای وظیفه» که از سوی اکتیویژن منتشر می‌شود، یکی از محبوب‌ترین بازی‌های ویدئویی جهان است. بنا بر اعلام پارامونت، تاکنون بیش از ۵۰۰ میلیون نسخه از این سری به فروش رفته و این عنوان سالانه در میان پرفروش‌ترین بازی‌های ایالات متحده قرار دارد. این مجموعه همچنین نقطه کانونی اختلاف در خرید ۶۹ میلیارد دلاری اکتیویژن از سوی مایکروسافت بود؛ معامله‌ای که تنظیم‌گران بازار بر سر آن معتقد بودند مالکیت این آی‌پی از سوی غول فناوری می‌تواند رقابت را محدود کند.

عملیات روانی با تکنیک منفورسازی

رسانه‌ها برای جذب مخاطب از شیوه‌های مختلفی بهره می‌گیرند. هر رسانه بنا بر رسالت و هدفی که دنبال می‌کند به روشی مخاطبان خود را جذب می‌کند. یکی از تکنیک‌های رسانه‌ای منفورسازی است. در این تکنیک رسانه تلاش می‌کند تنفر و دشمنی جمعیت مخاطب را نسبت به عقیده، گروه یا کشورهای خاص برانگیزد. به طور مثال نزدیک به پایان جنگ جهانی دوم هواپیماهای امریکایی روی هیروشیما و ناکازاکی با انداختن بمب‌های اتمی، بیش از ۱۰۰ هزار نفر غیرنظامی از جمله زنان و کودکان را به قتل رساندند، اما یک هفته بعد از این اتفاق وحشتناک، یک نظرخواهی عمومی نشان داد که کمتر از ۵ درصد از جمعیت امریکا مخالف استفاده از آن سلاح‌ها بودند!

عجیب‌تر آنکه ۲۳ درصد از مردم امریکا اعتقاد داشتند پیش از آنکه اجازه تسلیم شدن به ژاپنی‌ها داده شود، باید بمب‌های بیشتری ریخته می‌شد! و این به دلیل همان عملکرد رسانه‌های امریکایی در اهریمن‌سازی از ژاپنی‌ها بود. در این تکنیک رسانه‌های امریکایی چهره‌ای از ژاپن در نظر مردم امریکا ساختند که آنها بدون در نظر گرفتن جنبه انسانی قربانیان این حادثه، نابودی آنها را بدون عذاب وجدان بپذیرند! به همین دلیل در این تکنیک اگر گروهی که از سوی رسانه منفور شده، از موضوعی پشتیبانی کنند، صرف‌نظر از درست یا نادرست بودن آن موضوع، رسانه وجهه منفی گروه حامی را بزرگنمایی و از این طریق، دید مخاطب را نسبت به آن موضوع منفی می‌کند.

تصویر منتخب

موزه زمان

اگر عاشق معماری و دیدن تاریخ در عقربه‌های ساعت‌های قدیمی هستید، «موزه ساعت» بهترین گزینه برای شماست. این موزه با بناهای حیرت‌انگیز دوران قاجار و ساعت‌های قرون هفدهم تا بیستم، شما را به شگفتی وامی‌دارد. آدرس دقیق این موزه تهران، خیابان زعفرانیه، نبش خیابان پرزین بغدادی است.